
بزرگداشت
عید سعید غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحیم

بزرگداشت عید سعید غدیر خم

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بزرگداشت عید سعید غدیر خم

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه‌امامی، حسن، ۱۳۱۳ –

عنوان و نام پدیدآور : بزرگداشت عید سعید غدیر/ سخنرانی حسن فقیه‌امامی.

مشخصات نشر : اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، واحد تحقیقات، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۴۰ ص.؛ ۱۲ × ۱۷س‌م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۳۵۰۸-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر متن سخنرانی حضرت آیه‌الله‌حاج سیدحسن فقیه‌امامی به مناسبت عید سعید غدیرخم در جمعی از طلاب است.

موضوع : غدیر خم

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵/ف۶۷ب۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۰۰۸۹۳

مقدمه

بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحیمِ الحَمدُ للَّه ربِّ العالمین حَمداً أزلیّاً بأَبَدیَّته، و أَبَدیَّاً بِأَزلیّته، سَرْمَداً بِإطاقِه مُتَجَلِّیاً مَرایا آفاقِهِ، و الصلوهُ و السَّلام علی سَیِّدِ أنبیائِهِ البَشیرِ النّذیر و السِراجِ المُنیرِ سَیِّدنا أحمَد و نبیِّنا أبی القاسِمِ مُحَمَّدصلی الله علیه وآله، واللَّعنُ الدائِم علی أعدائهم أجمَعین مِن الآن إلی قِیامِ یَومِ الدّین.

این عید سعید را به همه‌ی شما عزیزان تبریک و تهنیت می گویم، و بحثی را به این مناسبت خدمت شما تقدیم می کنم که بسیار بحث گسترده‌ای است و شاید یک ماه وقت لازم باشد تا مبانی این بحث را تبیین کنیم و از آن نتیجه بگیریم لیکن در حدّ ظرفیّت زمان، من این بحث را به طور فشرده و اجمال عرض می‌کنم، تبیین و تحقیقش با خود شماست.

من سر نخ می‌دهم، بقیّه‌ی آن را خود شما دنبال کنید. آن مسئله این است: در لغت کلمه‌ای داریم به نام «سیاست»؛ حال ببینیم که سیاست به چه معناست و منظور از سیاست چیست؟!

برداشت غلط از واژه‌ها

برداشت غلط از واژه‌ها

بعضی از الفاظ مظلوم واقع می‌شوند، یعنی یک برداشت غلطی از لفظ می‌شود که معنی اصلی خودش را از دست می‌دهد.

چندین لغت هست که این‌ها خیلی مظلوم هستند:

اوّل مسئله‌ی تقلید، دوّم مسئله‌ی انتظار و سوّم مسئله‌ی شفاعت است.

این لغات و واژه‌ها یک مفاهیم بسیار عالی و سازنده‌ای دارند ولی متأسفانه این برداشتی که می‌شود یک برداشت غلط است.

۱. انتظار

مثلاًـ انتظار را معنا می‌کنند که شما دست روی دست بگذارید و هیچ کار نکنید و فقط به انتظار این باشید که آقا تشریف بیاورند و کارها را اصلاح بکنند؛ معنی انتظار که این نیست! انتظار یعنی: زمینه فراهم کردن برای ظهور؛ شما وقتی که انتظار یک مهمان را داشته باشید که در خانه نمی‌نشینید دست روی دست بگذارید؛ منزل را تمیز می‌کنید، در خانه را جارو می‌کنید، آب پاشی می‌کنید، وسیله‌ی پذیرایی فراهم می‌کنید، اتاق را مرتب می‌کنید. این انتظار است! آدم بی خیال را نمی‌توان گفت منتظر.

۲. شفاعت

یا شفاعت را می‌گویند که تمام، غرق گناه هستیم و یک حسین داریم. این حرف را قبول داریم، شفاعت امام حسین‌علیه السلام را هم قبول داریم؛ امّا شفاعت هم بی در و پیکر نیست که هر آدم خیانتکاری بخواهد با «یاحسین» گفتن همه‌ی جنایت‌هایش را جبران کند، این عملی نیست. شفاعت حدودی دارد، مثلًا حضرت امام صادق‌علیه السلام می‌فرمایند:
«لایَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»(۱)
اگر کسی نماز را سبک شمرد این مشمول شفاعت نمی‌شود.
پس معلوم می‌شود که شفاعت شرطش این است که انسان روی نماز عنایت داده باشد، بی توجهی نکند.

۳. تقیّه

یا به طور مثال تقیّه: معنایش این نیست که انسان هیچ کاری نکند. من بارها گفته‌ام که تقیّه را باید از لاک پشت یاد گرفت، لاک پشت وقتی احساس خطر می‌کند خودش را جمع می‌کند؛ از یک طرف سرش را می‌برد زیر لاک، از یک طرف دُمش را و دست و پایش را جمع می‌کند، امّا آن زیر مراقب است و همه‌ی حواس او جمع است که مانع برطرف شود و سرش را از لاک در بیاورد، نه این که سرش را بکند زیر لاکش و مراقب بیرون نباشد؛ این طور نیست، تقیّه معنای بسیار والایی دارد که در موقع خودش باید درباره‌اش بحث کرد.
این است که سنّی‌ها تقیّه را منکرند، شفاعت را منکرند. مسئله انتظار فرج را به آن صورت که ما می‌گوئیم معتقد نیستند، چون برداشتشان از این کلمات برداشت درستی نیست.

۴. سیاست

سیاست هم همین طور است تا می‌گوئیم سیاست، چه چیزی به ذهن تداعی می‌شود؟! حُقّه و مکر، حیله و کلاه سر دیگران گذاشتن و... این معنی سیاست نیست.
سیاست یک معنای بسیار عالی و والایی دارد که اگر ما به عمقش نظر بکنیم می‌بینیم یکی از پایه‌های اساسی و محکم زندگی اجتماعی است.

به این سادگی‌ها نیست که سیاست را این طور معنا کنیم و بعد هم نتیجه‌اش این است که بگوئیم: دین از سیاست جدا است. دین به این معنا از سیاست جداست که در دین حُقّه نیست، مکر نیست. یک جمله‌ای است در رابطه با برنامه‌ی مسلم بن عقیل –رضوان اللَّه تعالی علیه، مسلم بن عقیل رفت به دیدن هانی بن عروهٔ که مریض و در بستر افتاده بود، هانی به مسلم گفت: ابن زیاد قرار است به دیدن من بیاید، تو برو در پستوی اتاق و آن جا بنشین من عبیداللَّه را به حرف زدن سرگرم می‌کنم همین طور که با من مشغول به صحبت کردن است تو از پَشتو بیرون بیا و حمله کن و به درک واصلش کن.

مسلم بن عقیل رفت در اتاق پشتی و نشست. ابن زیاد وارد شد و نشست در کنار بستر هانی. هر چه هانی با عبیداللَّه صحبت کرد که مسلم در این فرصت بیاید و کار عبیداللّه را تمام کند، مسلم نیامد. بالاخره عبیداللّه بلند شد و رفت؛ بعد مسلم آمد در اتاق، هانی از او پرسید: چرا نیامدی عبیداللّه را غافلگیرش کنی؟! چه گفت؟! جلمه‌ی تاریخی بسیار زیبایی را مطرح کرد، گفت که در اسلام فتک معنا ندارد؛

«لَيْسَ الفَتْكُ مِنَ الْإِسْلَامَ»

در اسلام فتک نداریم. (یعنی کسی را غافل‌گیرش بکنیم، بی مقدمه به او حمله کنیم، ترورش کنیم.)

«إِنَّ الْإِسْلَامَ قَيَّدَ الْفَتْكَ»(۲)

اسلام دست ما را می‌بندد که یک وقتی از این سیاسی کاری‌ها نکنیم.

ما این کارها را که بر خلاف عدالت است انجام نمی‌دهیم، این نوع سیاست در اسلام نیست، مکر و حیله در کار نیست. آن سیاستی که مرحوم مدرس فرمود: عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست، معنایش چیست؟! سیاست یعنی اداره‌ی امور به نحو احسن.

نیاز به سیاست

حالا قضیه را باز کنیم:

اجتماع و عموم مردم که با هم زندگی می‌کنند باید یک ضوابطی در کار جامعه باشد تا با هم تنش نداشته باشند، مزاحم هم نباشند، ظلم به یکدیگر نکنند. یک برنامه‌هایی برایشان تنظیم بشود که بتوانند با تمام عدالت با هم زندگی کنند.

در مسائل اجتماعی وقتی وارد می‌شویم، می‌بینیم اداره کردن جامعه به این سادگی نیست، این مردم نیازمندی‌های فراوانی دارند: مسائل بهداشتی آن‌ها از یک طرف، مسائل فرهنگی آن‌ها از طرف دیگر و مسائل قضائی آن‌ها، مسائل اقتصادی و سیاسی، روابط بین المللی آن‌ها... اللّه اکبر که چقدر شعبه دارد.

اگر جامعه را رهایشان کردیم و مراعات این امور را نکردیم می‌شود یک جنگل که قابل زندگی نیست، مثل دوران جاهلیّت.

باید کارهای مردم منظّم شود، مسائل بهداشتی جداگانه بررسی بشود، برای اداره‌ی مسائل بهداشتی، متخصصین انتخاب شوند. باید مسائل اقتصادی و مسائل فرهنگی آن‌ها منّظم بشود...

ارکان سیاست

همه‌ی این کارها باید روی فرم و نظام بیاید، آن وقت می‌طلبد که سه قوّه باشد: یک قوّه، «قوّه‌ی مقنّنه» باشد، قانونگذاری بکنند بنابر مصالح جامعه، که این‌ها موّظفند نیازهای جامعه را بررسی کرده و مطابق نیازمندی‌های جامعه و آنچه که صلاح

است برای جامعه قانون تدوین کنند.
دوم «قوه قضائیه» است که اگر مردم اختلاف پیدا کردند، یک جائی باشد که مردم مراجعه کنند و حل و فصل خصومت کنند؛ حق و باطل از هم تشخیص داده بشود، مظلوم حاکم شود و ظالم محکوم.
سوم هم «قوه مجریّه»، چون اجرای قوانین یک قدرتی می‌خواهد، بدون قدرت نمی‌شود که بین مردم قضاوت کرد.
یک دولت که سر کار می‌آید باید همه‌ی این‌ها را عهده دار بشود، آن وقت یک رئیس دولت حریف نیست، باید وُزرا داشته باشد. وزرا هر کدام متناسب با رشته تخصصی‌شان بیایند و این کارها را اداره کنند و می‌بینیم یک دولت که می‌آید سر کار، بیست یا سی نفر، بیشتر یا کمتر وزیر دارد، هر وزیری در یک رشته‌ای تخصص دارد که این‌ها باید با هم همفکری کنند، همکاری کنند و کشور را اداره کنند، این اسمش سیاست است.

سیاست در اسلام

آیا می‌شود که یک کشوری وجود داشته باشد، یک جامعه‌ای در کنار هم باشند و این چیزها را نداشته باشند؟! اصلاً امکانش نیست. امیرالمؤمنین‌علیه السلام یک جمله‌ی عجیبی دارند در نهج البلاغه، که می‌فرمایند:
«لابُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِیرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِر»(۳)
جامعه باید یک فرمانده داشته باشد، حالا بد یا خوب!
اگر خوب بود چه بهتر، اگر نبود نمی‌شود که همین طور کشور را رها کرد، به حال خودش باشد. این معنای سیاست است.
اگر در اسلام مسائل سیاسی به این معنا که من عرض کردم: «برنامه ریزی برای اداره‌ی جامعه» وجود نداشته باشد این اسلام ناقص است، این دین ناقص است. باید که اسلام همه‌ی این مسائل را رعایت کند، چون می‌خواهد حاکمّیت بر جامعه داشته باشد. اگر اسلام باشد و حاکمّیت نداشته باشد این اسلام دین کاملی نیست.

نقش مسجد

رسول خداصلی الله علیه وآله در زمان حیات، خودشان همه‌ی این امور را عهده دار بودند.
مسجد هم مرکز عبادی بود، هم مرکز قضائی بود... مردم می‌آمدند در مسجد خدمت پیغمبرصلی الله علیه وآله منازعات خودشان را مطرح می‌کردند و پیامبرصلی الله علیه وآله بین آن‌ها قضاوت می‌کرد.
مسجد «دادگستری» بود، «پادگان نظامی» بود... مردم جمع می‌شدند، متمرکز و آماده می‌شدند برای رفتن به جنگ. از مسجد حرکت آغاز می‌شد.
«اداره‌ی آموزش و پرورش» بود که رشد فرهنگی مردم، مرهون گفته‌های پیغمبرصلی الله علیه وآله است که در آن مسجد می‌آمدند صحبت می‌کردند، سخنرانی می‌کردند، آیات قرآن را تلاوت می‌کردند، خطابه‌های عظیم ایراد می‌کردند.

سیاست پیامبر

بنابراین زمام امور صلح، امور جنگ، امور اقتصادی، امور فرهنگی همه‌ی این‌ها بر عهده‌ی شخص پیغمبرصلی الله علیه وآله بود.

وقتی که ما واقعاً حاکمّیت پیغمبرصلی الله علیه وآله را در مدینه بررسی می‌کنیم تعّجب می‌کنیم که یک تنه، پیغمبر اسلام‌صلی الله علیه وآله همه‌ی این پُست‌ها را شخصاً اداره می‌کردند. جامعه را رها نمی‌کردند که هر کسی هر کاری که دلش می‌خواهد بکند و حضرت بگویند که بقیه‌ی کارها ارتباطی با من ندارد، من فقط با دین مردم کار دارم!

این طور نبود که مردم هر کاری می‌خواهند بکنند. در تمام مسائل اجتماعی نقش فعّال داشتند و به این خاطر است که ما می‌گوئیم پیغمبرصلی الله علیه وآله سیاستمدار بودند، یعنی به بهترین وجه این حکومت را اداره می‌کردند.

دقت در رفتار پیامبر

البتّه شاید وقتی پیغمبرصلی الله علیه وآله از دنیا رفتند شش میلیون مسلمان بیشتر نبود ولیکن با نبودن آن امکانات و وضعیت روحی و اخلاقی مردم، همین اجتماع شش میلیونی هم اداره کردنش کار راحتی نیست.

پیغمبر در ظرف ده سال، هشتاد و چهار سَریّه و غزوه داشتند. همین یک رقم خالی را حساب کنید! دوازده هزار نفر از اصحاب را تربیت کنند که این‌ها بعداً بتوانند حکومت اسلامی را اداره کنند... این‌ها چیزهای ساده‌ای نیست!

در همه‌ی مسائل نقش داشتند و واقعاً لازم است بر ما که یک دوره‌ی تاریخ، مخصوصاً آن دوره‌ی ده ساله‌ی پیغمبرصلی الله علیه وآله را که در اوج حاکمّیت شان در مدینه بودند مطالعه بکنیم و ببینیم رفتار پیغمبر در این چند ساله چگونه بود؟!! این خیلی شایسته‌ی تحقیق است. این معنی واقعی سیاست است.

حکومت دینی و حکومت استبدادی

یکی از شئون سیاست، «حکومت» است. یعنی یک گوشه‌ای از سیاست دینی ما حکومت است، منتهی فرق است بین حکومت انبیاء و حکومت سلاطین. خیلی تفاوت بین آن‌ها است، اما من مقداری از آن را عرض می‌کنم:

[الف:] سلاطین حاکم بودند در دوران حکومت خودشان، ولی درزمان انبیاء، انبیاء حاکم نبودند، قانون الهی حاکم بود و انبیاءعلیهم السلام مجری بودند، مجری احکام خدا.

خیلی تفاوت دارد با استبدادی که در سلاطین وجود داشت. این‌ها مستبد به رأی بودند یعنی نظر خودشان را اعمال می‌کردند چه آنکه با دین بسازد یا نسازد. با افکار مردم دیگر سازش داشته باشد یا نداشته باشد.

دوران تلخی را مسلمان‌ها در این چندین سال گذراندند. سی سال صدام حکومت کرد، یعنی چه به روزگار مردم عراق آورد که هنوز هم از تبعاتش باید بسوزند! این‌ها به خاطر استبداد است.

[ب:] حاکمیّت انبیاءعلیهم السلام به امر الهی بود: خدا سلیمان‌علیه السلام را به عنوان حاکم معّین می‌کند، خدا به ابراهیم‌علیه السلام مقام امامت می‌دهد، خدا به پیغمبرصلی الله علیه وآله اسلام حاکمّیت می‌دهد... چون کار، کار تعدیل است. اداره کردن جامعه روی مبنا و پایه‌ی عدل. این معنای سیاست است و کار ساده‌ای هم نیست.

چرا خدا؟

ما «خدا» را قانون گذار می‌دانیم و او این اجرای قانون را به دست انبیاءعلیهم السلام یا اولیاء قرار می‌دهد.

وقتی که خدا یک نفر را تعیین بکند کسی را انتخاب می‌کند که مستبد نباشد، خود رأی نباشد، گوش به فرمان خدا باشد، تا

خدا به او دستور ندهد هیچ کاری را انجام نمی‌دهد...
واقعاً تصّور بفرمائید در تاریخ رسول گرامی اسلام‌صلی الله علیه وآله هیچ وقت تصمیم گیری با پیغمبرصلی الله علیه وآله نبود، منتظر فرمان خدا بود که خدا چه دستور می‌دهد تا اجرا کند. این ضمانت اجرا است که خلاف نرود، کار باطل نکند.
این مطلب که ما معتقدیم: «مسئله نبّوت و امامت چیزی نیست که مردم بتوانند عهده دار نصب امام یا پیغمبر باشند.» علتش این است که مردم اطلاع ندارند، جوّ سازی می‌شود، رأی می‌دهند، طولی نمی‌کشد که همین مردم عزلش می‌کنند... چه می‌فهمند از آینده؟! چه خبر دارند از باطن این آدم؟!
امّا وقتی که نصب به دست خدا باشد، خدا ضمیر را می‌داند، ظاهر را می‌داند، آینده را می‌داند، همه را می‌داند، بی جهت کسی را نصب نمی‌کند.

جانشین حاکم اسلامی

حالا یک چنین چیزی که اسمش را می‌گذاریم سیاست، سیاست مقّدس، یک چیز ساده‌ای نیست!!
باید یک آدمی بر جان و مال و ناموس مردم مسلّط باشد. اگر یک آدم نابابی باشد و خیانت به مردم بکند، دیگر مردم به هیچ عنوانی امنّیت ندارند، نه جانی، نه مالی، نه عِرضی... باید این کار به این عظمت به دست کسی بیفتد که تحت فرمان خداباشد، عادل باشد، معصوم باشد که مردم را به بازی نگیرد، از قدرتش سوء استفاده نکند...
آیا می‌شود که پیغمبر اسلام از دنیا برود و این کار بزرگ و سنگین و این سیاست ..... بعدی که باید جان و ناموس و اموال مردم را حفظ کند، همین طور رها کند و برود؟! این معقول نیست! خودش هم نمی‌تواند کسی را تعیین کند. پس باید به امر الهی این پیغمبر بیاید یک نفر را به جای خودش تعیین کند که مردم در آینده سرگردان و حیران نباشند و زمام امورشان به دست افراد ناباب نیفتد.

داستان ابلاغ ولایت

پیغمبرصلی الله علیه وآله اسلام ظاهراً در مسیر حج بودند، یعنی از عرفات می‌آمدند به طرف مکّه، بنا شد که ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین‌علیه السلام کنند.
ما اسم این حکومتی که مستند به نصب الهی است رامی گذاریم «ولایت» که ولایت حق خدا است: «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ...»(۴)
اگر ولایت، ولایت الهی بود، مردم را از تاریکی به نور می‌آورد. قرآن هم می‌فرماید که: افراد مؤمن ولایتشان با خداست، تحت ولایت خدا هستند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذينَ آمَنُوا...»(۵)
اگر ولایت برای خدا بود:
«يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ»(۶)
تفاوت این دو نوع ولایت این است: ولایت شیطانی غیر خدا اگر زمانی امر را به دست گرفت ولایتش، ولایت الهی نمی‌تواند باشد.
در راه به پیغمبر ابلاغ شد که:

«يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أَنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»(۷)
بلّغ چه چیز را؟! «ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ» یعنی: آن چه که به تو نازل شده. یعنی سرخود کسی را تعیین نکن، خدا به تو دستور می‌دهد که علی را سر دست بلند کرده و به عنوان ولی معرفی کنی. خدا تهدید هم می‌کند:
«... وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»(۸)
اگر نرساندی، وظیفه‌ات را انجام نداده‌ای!
امّا پیغمبرصلی الله علیه وآله خوف دارد که حالا ـ ابلاغ بکنند واین مردم تحمّل نداشته باشند و بلوا درست بکنند. خدا یک پشتی گرمی زیر سر پیغمبر می‌گذارد که نترس:
«وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»(۹)
خدا تو را از دست مردم حفظ می‌کند.

چرا غدیر؟!

آن وقت در غدیر خم دو مرتبه جبرئیل نازل می‌شود، دستور می‌دهد آن اجتماع عظیم و پر شور را پیغمبرصلی الله علیه وآله بوجود بیاورد.
انتخاب این مکان هم بی حساب نیست، غدیر خم چرا؟ مکّه چرا نبود؟! در عرفات، در مشعر، در منی که سه روز وقت داشتند چرا نبود؟!
علّتش این است که غدیر خم یک بیابان است که در طول تاریخ هیچ حادثه‌ای در آن رخ نداده، همه این جا جمع می‌شوند و از این جا پخش می‌شوند در بلاد مختلف.
اگر در مّکه یا مدینه یا مراسم حج بود ممکن بود این حادثه در حوادث دیگر گم بشود و تحت الشعاع قرار بگیرد، محو بشود و از ذهن مردم بیرون رود.
در غدیر خم زیر آن آفتاب، در آن صحرای سوزان با یک منبر دستی که از پالان شتر درست کرده‌اند، پیغمبرصلی الله علیه وآله این سخنرانی را ایراد کنند که مردم یادشان نرود، این حادثه تحت الشعاع حوادث دیگر قرار نگیرد، قابل انکار در طول تاریخ نباشد.
خدا رحمت کند مرحوم علّامه‌ی امینی‌رحمه الله را، ایشان در کتابشان اشعاری را که از قرن اوّل تا به حال درباره‌ی غدیر خم و حادثه‌ی غدیر بوده را جمع کرده و البتّه به مناسبت، بحث‌های دیگری هم مطرح نموده‌اند.
ولی عمده‌ی مطلب اینجاست که در طول تاریخ، غدیر فراموش نشده هر شاعر زبر دستی وقتی که می‌خواسته یک شاهکاری را تحویل دهد حادثه‌ی غدیر را مطرح می‌کرده، با آن زیبایی و با آن جلوه‌ای که غدیر خم دارد.

شواهد ولایت

به هر حال پیغمبر اکرم‌صلی الله علیه وآله آن روز امیرالمؤمنین‌علیه السلام را سر دست بلند کردند. تمام قرائنی را که می‌تواند شاهد بر این باشد که این حادثه به منظور تعیین خلیفه است را پیغمبرصلی الله علیه وآله فراهم کردند:
اوّل: از مردم یک اقرار یا به قول امروزی‌ها «رأی اعتماد» گرفتند:

«أَ لَسْتُ أَوْلَی بِکَمْ مِنْ أَنْفُسِکَمْ»(۱۰)

این سابقه داشت در قرآن خدا فرموده بود:

«النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»(۱۱)

این ولایت به معنی حکومت واقعی است که پیغمبرصلی الله علیه وآله صاحب اختیار همه‌ی مؤمنین است و از آن‌ها اختیارش نسبت به خودشان بیشتر است. یعنی اگر من اختیار عالم را دارم، پیغمبرصلی الله علیه وآله اختیارش بر اختیار من حاکم است.

حاکمّیت پیغمبرصلی الله علیه وآله را در قرآن ابلاغ کرده: «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»(۱۲) که در زیر این آسمان، حاکمّیتی به این کیفّیت بر احدی نیست که اراده‌اش بر اراده‌ی مردم حاکم باشد.

وقتی که همه‌ی مردم اقرار کردند که بله! شما حاکم بر ما هستید:

«أَ لَسْتُ أَوْلَی بِکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ قَالُوا بَلَی»(۱۳)

بعد از آنکه زیر بنا را درست کردند، فرموند:

«مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاه»(۱۴)

هر کس صاحب اختیارش منم، علی هم صاحب اختیار اوست.

[دوم:] پیغمبرصلی الله علیه وآله یک عمّامه داشتند که در مواردی که می‌خواستند کار حکومتی انجام بدهند آن عمّامه را نشان می‌گذاشتند، اسمش «سحاب» بود. روز غدیر خم آن عمّامه را به سر علی‌علیه السلام گذاشتند: «علی فی السحاب»(۱۵) یعنی علی حاکم است.

[سوم:] از آن طرف به امر الهی مسئله‌ی دین و مسئله‌ی اسلام را به ولایت امیرالمؤمنین‌علیه السلام گره زدند، فرمودند خدا این آیه را نازل کرد که:

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ...»(۱۶)

یعنی دین کاملا گره خورده به ولایت امیرالمؤمنین‌علیه السلام، یعنی ولایت جزء دین است، ولایت نباشد دین نیست.

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی»(۱۷)

... نعمتم را به شما کامل کردم.

نعمت یعنی چیزی که انسان از آن لذّت می‌برد، یعنی دینی که منهای ولایت حضرت علی‌علیه السلام باشد لذّت بخش نیست، نعمت نیست. نعمت کامل شد با مسئله‌ی نصب امیرالمؤمنین‌علیه السلام.

«وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دینا»

یعنی دین منهای ولایت را من راضی نیستم. رضایت من در اسلامی است که توأم باشد با ولایت مولای متّقیان‌علیه السلام.

این سه تعبیر واقعاً تعبیرات اعجاز آمیزی است که تا خدا خدایی می‌کند این‌ها دلالت دارد بر نقش ولایت و حاکمّیت امیرالمؤمنین‌علیه السلام.

خیانت به ولایت

اگر پیغمبرصلی الله علیه وآله علی‌علیه السلام را سر دست بلند نکرده بود، ما ممکن بود زبان اعتراض به پیغمبرصلی الله علیه وآله دراز کنیم: یا رسول اللّٰه! مسأله ولایت کار ساده‌ای نبود، چطور مردم را رها کردی و رفتی و هیچ کس را بر این سمت تعیین نکردی که مردم حیران و سرگردان نمانند؟!

امّا چه شد که دست جنایتکاران بعد از پیغمبرصلی الله علیه وآله از آستین بیرون آمد و این منصب را از امیرالمؤمنین‌علیه السلام گرفتند و زمام امور افتاد دست انسان‌هایی که این‌ها لایق نبودند؟! نه علم داشتند، نه تدبیر داشتند، نه دین داشتند... یک آدم‌هایی هرزه که شرح زندگیشان را که آدم می‌خواند تعّجب می کند که این‌ها چه آدم های سیّاس به معنایی که گفتم، مکّار، حیله گر... بودند. کار به دست آن‌ها افتاد.

این اختلافی که الآن بین مسلمین است در دنیا، تماماً به خاطر همان انحرافاتی بود که در صدر اسلام بوجود آمد و الّا دنیا باید تحت نفوذ و سیطره مسلمین باشد. اسلام دینی است که استعداد اداره کردن جهان را دارد، سیاست جهان را می‌تواند به عهده بگیرد ولی این‌ها نگذاشتند، ضربه‌ای زدند به مسلمین و اسلام و به همه چیز.

زیر این آسمان بزرگترین خیانت این بود که علی‌علیه السلام را در خانه بنشانند. به تعبیر آن آقا که گفته بود: خلافت را بدهند به دست که و بیل را بدهند به دست علی‌علیه السلام که برود در باغ‌ها و نخلستان‌ها مشغول زراعت بشود.

این واقعاً ظلم است که آدمی مثل امیرالمؤمنین‌علیه السلام با آن علم، با آن شجاعت، با آن عصمت، با آن صفات کامله که در امیرالمؤمنین‌علیه السلام بود، برود در خانه بنشیند و آدم های هرزه خلافت را به دست بگیرند، بزرگترین خیانت به جهان هستی است.

امیدواریم که انشاءاللّه این عید بر همگان مبارک باشد و ما را تحت ولایت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام قرار بدهد.

والسلام علیکم رحمهٔ اللّه و برکاته

پاورقی ها

۱) کافی،مرحوم کلینی ج۳ ص ۲۷۰

۲) کافی،مرحوم کلینی ج۷ ص ۳۷۵

۳) بحارالأنوار،علامه‌ی مجلسی ج۳۳ ص۳۵۸

۴) مائده ۵۵

۵) بقره ۲۵۷

۶) همان

۷) مائده ۶۷

۸) همان

۹) همان

۱۰) بحارالأنوار،علامه‌ی مجلسی ج۲۷ ص۲۴۳

۱۱) احزاب ۶

۱۲) همان

۱۳) بحارالأنوار،علامه‌ی مجلسی ج۲۷ ص۲۴۳

۱۴) همان

۱۵) بحارالأنوار،علامه‌ی مجلسی ج۳۸ ص۲۹۷

۱۶) مائده ۳

۱۷) همان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون مجتمع فرهنگی مذهبی هیئت قائمیه اصفهان ،دفاتر مراجع معظم تقلید، مرکز تحقیقات کامپیوتری

علوم اسلامی (نور)، موسسه فرهنگی مرکز تحقیقات رایانه‌ای مهر حوزه علمیه اصفهان، سازمان کتابخانه ها،موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ، موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان ، سازمان حج و زیارت، انتشارات مسجد مقدس جمکران و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghaemiyeh.com

ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹